

این روش تربیت کند تا در درازمدت از آسیب‌های عمده‌ای که حتی ممکن است براساس دین و ایمان و زندگی مردم وارد شود، بکاهند. به نظر نویسنده بستر اصلی لغزش با انحراف در جریان روشن‌فکری حوزوی، بی‌سوادی و عدم آگاهی و فقدان تسلط بر علوم اسلامی است. آشنا ساختن نسل جدید حوزه‌های علمیه با مسایل روز و آگاهی بختیدن به آنان و آموزش علوم جدید و زبان‌های معروف ملل دیگر و در اختیار قرار دادن کتاب‌های جدیدی که درباره اسلام در جهان اسلام چاپ و منتشر می‌گردد، آماده ساختن مقدمات استفاده عام‌تر از وسایل ارتباط جمعی - حتی ماهواره‌ها راه درستی برای بیداری، هوشیاری و در نتیجه پیشبرد جریان نواندیشی یا روشن‌فکری دینی در حوزه‌ها خواهد بود. ولی توسعه این امر، خطرهای جدی هم در مورد تزلزل فکری کسانی دارد که هنوز از لحاظ تحصیل علوم اسلامی و شناخت عمیق مفاهیم دینی و معارف فقه، به مرحله لازم کمال نرسیده‌اند، انحراف‌های فکری بعضی‌ها که در گذشته و یا امروز متأسفانه شاهدش هستیم، عمدتاً ناشی از همین نقطه «آسیب‌پذیری» این‌گونه افراد است. در واقع علل گوناگونی از جمله عدم شناخت کامل ایدئولوژی اسلامی، هوس سلطه‌جویی، فرصت‌طلبی، انحصارگرایی، تمامیت‌خواهی و در کل، عدم تعمق اعتقادات و باورهای اصول ثابت دینی، عامل اصلی در انحراف این نوع گروه‌ها و جریان‌ها است. از سوی دیگر، در مواردی سرخوردگی عناصری از این جریان‌ها و این‌که به‌رغم فعالیت‌های درازمدت نتوانسته‌اند به هدف مورد ادعا برسند، آنها را وادار به جدایی و انشعاب و تشکیل سازمان‌های ویژه تندر و کرده است.

گزارش‌گر: ابوالفضل حسینی

دین در تلقی امام خمینی

همایون همتی

تهران امروز، ش ۴۳۱، ۱۳/۳/۸۷

در این مقاله آقای همتی به دین و کارکردهای آن از دیدگاه امام خمینی اشاره کرده است. وی «فریدریش ماکس مولر» را مؤسس این دانش می‌داند که در یک قرن و نیم پیش این دانش را تأسیس کرد. در میان متکفران غربی و محققان اروپایی بیشترین تعریف از دین مبتنی بر ارائه تلقی‌ای کاملاً شخصی و خصوصی از دین است. در این میان امام خمینی دین را تنها امری فردی و مربوط به مقوله رستگاری اخروی نمی‌داند، بلکه او را حقیقتی ذوابعاد و دارای اضلاع کثیر و متعدد می‌داند که هم ابعاد معرفتی و شناختاری دارد و هم ابعاد نظری، عملی، مناسکی و هم پیوندی وثیق و استوار با سیاست، فرهنگ، جامعه و هم زندگی اجتماعی دارد.

آقای همتی طبق نظر امام خمینی بیان می‌دارد گرایش به دین امری فطری در وجود آدمی است. امری سرشتی و ساختاری، ریشه‌دار، ماندگار و همیشگی که می‌تواند البته مورد تجاهل،

تغافل و نسیان قرار گیرد و رو به ضعف و زوال نهد، تقلیل و کاهش یابد اما هرگز از میان نمی‌رود. حضرت امام علیه السلام تلقی جامعی از دین داشت. او دین را حقیقتی با ابعاد گوناگون فلسفی، اعتقادی، عرفانی، فقهی و مناسکی اجتماعی - سیاسی و تأمین‌کننده سعادت و نیکبختی آدمی در دنیا و آخرت می‌دانست. نویسنده پل بین معنویت و رفاه مادی را یکی از پیام‌ها و بخشی از میراث ارزشمند امام و پیام او به بشر امروز می‌داند که می‌توان مؤمنانه، آزاده و وارسته و با معنویت زیست، در عین حال از رفاه و توسعه مادی نیز برخوردار بود. پس در تلقی امام از دین هم به بعد معرفتی و باورزدایی دین توجه شده و هم بعد تحول‌آفرینی و انقلاب‌سازی آن مورد لحاظ و تأکید قرار گرفته است. در واقع با طرح این تلقی سه‌شاخه‌ای از دین می‌توان به کارکردهای عهده دین از نظر امام نیز پی برد.

گزارش‌گر: سجاد خدابنده‌لو

وارستگی عالی‌ترین غایت استعداد آدمی

مایستر الهارت / محمدرضا جوزی

خردادماه، ش ۲۶، خرداد ۸۷

این مقاله گزیده‌ای از رساله «وارستگی» مایستر الهارت می‌باشد که با ارجاع به برخی مفاهیم کلامی و انجیلی به موضوع وارستگی می‌پردازد. سالک وارسته پس از عبور از گردنه‌های ریاضت و فروتنی «به ملکوت اصلی نزدیک خواهد شد، که برترین وارستگی یعنی خداوند ما را به این مقام هدایت» خواهد فرمود.

الهارت معتقد است، وارستگی محض بالاتر از هر چیزی است، زیرا جمیع فضایل به نحوی از آنجا متوجه مخلوقات هستند و حال آن‌که وارستگی، آزاد از مقامی مخلوقات است و من وارستگی را بیش از عشق می‌ستایم. نخست از آن‌رو که بهترین چیز در باب عشق آن است که مرا بر آن می‌دارد که خدا را دوست بدارم. اما از سوی دیگر وارستگی، خدا را بر آن می‌دارد که مرا دوست بدارد. پس شریف‌تر آن است که خدا را بر آن دارم که مرا دوست بدارد تا آن‌که خویشتن را به دوستی خدا وادارم. دانایان، خشوع را از جمله فضایل برتر شمرده و می‌ستایند اما من وارستگی را بیش از هر خشوعی می‌ستایم، زیرا خشوع می‌تواند بدون وارستگی باشد، اما وارستگی کامل بدون خشوع کامل میسر نخواهد بود. وی وارستگی را چنین تعریف می‌کند که وارستگی حقیقی چیزی جز این نیست که «روح در برابر هجوم اندوه و شادی و عزت و ذلت یا اهانت همچون کوهی از سراب که در برابر باد ملایمی بی حرکت ایستاده است، از جای خویش هیچ نجنبند. الهارت معتقد است خداوند در نخستین نظر ازلی خویش همه چیز را دانسته و هیچ چیز را از نو عمل نخواهد کرد، زیرا همه چیز از قبل اراده شده و این‌گونه است که خداوند همیشه در وارستگی بی حرکت خود مقام دارد و به